

رحمت در حوزه‌ی عقل و نقل

## بسم الله الرحمن الرحيم

متنی که در اختیار عزیزان است سرفصل‌های بحث «رجعت در حوزه عقل و نقل» می‌باشد تا اولاً: عظمت چنین اعتقادی برای محققان امور دینی روشن گردد، ثانیاً: بررسی دقیق آن موجب گردد تا محققان گران‌قدر دریچه‌های عمیقی از معارف را در مقابل خود باز نمایند و معلوم گردد چرا امام معصوم می‌فرمایند: «هر کس مؤمن به رجعت و برگشت ما نیست، از ما نیست». البته بهتر است شرح متن را از طریق نواری که در آن متن شرح داده شده است، موضوع را پیگیری نمایید.

۱- رجعت در اصطلاح دینی به معنی بازگشت گروهی از افرادی است که فوت کرده‌اند؛ به این جهان، آن هم همزمان با قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام.

۲- رجعت؛ بازگشت هر انسان است به بدن خود تا جنبه‌های بالقوه نفس فرد رجعت یافته، به بالفعل تبدیل شود.

قرآن در آیه ۵۵ و ۵۶ سوره بقره می‌فرماید:

«وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَىٰ اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ، ثُمَّ بَعَثْنَاكُم مِّن بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» یعنی؛ آن‌گاه که شما بنی اسرائیل به حضرت موسی علیه السلام گفتید: ای موسی ما به تو

ایمان نمی آوریم مگر این که خدا را آشکارا ببینیم، پس خداوند آن‌ها را با صاعقه‌ای گرفت، و شما ناظر آن حادثه بودید، سپس آن‌ها را در حالی که مرده بودند، زنده کردیم، بلکه شما شکر نعمت نبوت را بکنید. همچنان که ملاحظه می کنید؛ آیه متذکر زنده شدن عده‌ای است که مرده بودند.

یا در آیه ۷۲ و ۷۳ سوره بقره می فرماید:

«وَ إِذِ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَاذَّارْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ، قُلْنَا اضْرِبُوهُ بَعْضَهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» یعنی؛ ای بنی اسرائیل و آن گاه که انسانی را کشتید و هر کدام قتل او را به عهده دیگری گذاشتید و خداوند آنچه را پنهان کرده بودید آشکار نمود و گفتیم نفس کشته شده را به بعضی قسمت‌های آن بقره بزیند و او را زنده کردیم ( و این گونه خداوند مردگان را زنده می کند و آیات خود را به شما می نمایاند بلکه تعقل کنید -

چون قتل را هر کدام نسبت به خود دفع می کردند، خداوند فرمود: بعضی قسمت‌های نفس قتیل را به بعضی از قسمت‌های بقره بزیند و او زنده شد، که باز خبر از زنده شدن در این دنیا پس از مردنشان می دهد.

و از همه روشن تر آیه ۲۵۹ سوره بقره است که می فرماید:

«أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِثَّةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِثَّةَ عَامٍ فَاَنْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ

إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِّلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

«آن حضرت عبورش به منطقه‌ای افتاد که خانه‌ها همه خراب شده بودند و گویا استخوان‌های مردم آن جا بر روی خاک افتاده بودند. گفت: چگونه این‌ها را خدای متعال زنده می‌کند؟ پس خداوند او را به مدت صد سال میراند و سپس زنده نمود و به او گفت: چه مدت در اینجا ماندی؟ گفت: یک روز یا بعضی از روز را. خداوند فرمود: ولی صد سال اینجا ماندی، حال بنگر به طعام و شرابت که تغییر نکرده و بنگر به الاغات. و باید تو را آیت و نشانه‌ای برای مردم قرار بدهم و باز بنگر به استخوان‌های الاغ که چگونه آنها را بلند می‌کنیم و پیوند می‌دهیم و سپس گوشت را به آنها می‌پوشانیم. پس وقتی مسئله برای او روشن شد، گفت: می‌دانستم که خدا بر همه چیز قادر است.»

یعنی پس از صد سال باز روح حضرت عَزَّوَجَلَّ، جسم به خود گرفت و به این دنیا برگشت نمود. همچنان که حضرت عیسی علیه السلام افراد را در همین دنیا، دوباره زنده می‌کردند. خلاصه همه این آیات خبر از بازگشت به همین دنیا می‌دهد که این غیر از مسئله معاد است.

شیخ مفید در ارشاد از حضرت امام صادق علیه السلام روایت کرده که: چون وقت قیام قائم آل محمد علیه السلام بشود بارانی بیبارد که خلاق مثل آن را ندیده باشند، پس برویاند خدا به آن باران گوشت‌های مؤمنان و بدن‌های ایشان را در قبرهایشان.

که این روایت حکایت از شرایطی دارد که روح‌ها به مدد الهی به راحتی می‌توانند بدن مناسب خود را برای خود پدید آورند، همچنان‌که حضرت عَزْرَبِر چنین کردند.

۳- در آیات ۸۲ و ۸۳ سوره نمل داریم:

«وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ، وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ»

علامه طباطبایی «رحمة الله عليه» در تفسیر این آیات می‌فرماید:

یعنی زمانی که امت اسلام مصداق قول خداوند قرار می‌گیرند، و قول خدا در باره آنها محقق می‌شود، که باید آن قول آیه‌ای باشد که جنبه خارق عادت داشته باشد و مردمی که به هیچ‌یک از آیات آسمانی و زمینی معمولی ایمان نداشته باشند، ناگزیر به ایمان می‌شوند، چون در آخر آیه می‌فرماید: «أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ» یعنی دابّه ارض با مردم تکلم می‌کند و مردمی که به آیات ما یقین نیاورده بودند، در آن حال حق را چنان برایشان بیان کنیم که دیگر جز اعتراف به حق چاره‌ای برایشان نمی‌ماند.

و در آیه ۸۳ می‌فرماید: «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ»، «ببوزعون» مضارع ایزاع است به معنای نگاه داشتن و جلوگیری از حرکت آنان.

آیه می‌فرماید: به یاد آر روزی را که جمع می‌کنیم از هر امتی فوجی را که آیات ما را تکذیب می‌کردند، در حالی که سخت در کنترل هستند

و متوجه هستید که این حشر، غیر حشر در قیامت است، زیرا حشر روز قیامت اختصاص به یک فوج از هر امت ندارد، بلکه همه انسان‌ها محشور می‌شوند.

آیت‌الله شاه‌آبادی در کتاب «رشحات‌البحار» در تفسیر آیات مذکور می‌فرمایند:

«دَابَّتٌ»

»

دَابَّةٌ مِنَ الْأَرْضِ

«دَابَّةٌ مِنَ الْأَرْضِ»

«

در ادامه آیه هست که چون «دَابَّةٌ مِنَ الْأَرْضِ» را برای مردم خارج کردیم، با مردم تکلم می‌کند. پس مسلم یک مأموریت الهی به عهده دارد که خداوند او را برای مردم خارج کرده‌است، تا در اثر صحبت با مردم، ایمان معتقدین کامل شود و به مقام بیعت با او مفتخر گردند، و برعکس این‌ها، آنهایی‌اند که به مظاهر آتم خداوند که مقام ولایت مطلقه و نبوت خاتم‌الانبیاء باشد، ایمان نمی‌آورند و در این راستا شقاوتشان کامل شود.

پیامبر ﷺ می فرمایند: «خروج دابة الارض» یکی از نشان‌های قیامت است.<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام در جواب منکران رجعت می فرماید: «أَمَّا يَفْرُوُونَ الْقُرْآنَ: يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا».<sup>۲</sup>

یعنی؛ آیا قرآن نخوانده‌اید که می فرماید: روزی که از هر امتی، گروهی را محشور می کنیم؟ این حالت؛ حالت رجعت است.

در روایتی از امام صادق علیه السلام هست که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به سوی حضرت علی علیه السلام آمد در حالی که وی در مسجد خوابیده بود و مقداری شن را به عنوان بالش زیر سر گذاشته بود؛ او را با پا حرکت داد و فرمود: «فُمْ يَا دَابَّةَ اللَّهِ»، سپس فرمود: ای علی هنگامی که آخرالزمان فرا رسد، خداوند تو را در بهترین صورت از زمین خارج می سازد در حالی که به همراه تو عصبایی است که با آن دشمنان را مشخص می کنی.<sup>۳</sup>

۴- رجعت برای سَعْدَاءِ مُحَضِّ و اشقیای محض محقق می شود. چنانچه حضرت صادق علیه السلام در جلد ۵۳ صفحه ۳۹ بحار می فرمایند:

۱- قال رسول الله ﷺ: «إِنَّ السَّاعَةَ لَا تَكُونُ حَتَّى تَكُونَ عَشْرُ آيَاتٍ: خَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ وَ خَسْفٌ بِالْمَغْرِبِ وَ خَسْفٌ فِي جَزِيرَةِ الْعَرَبِ وَ الدُّخَانُ وَ الدَّجَالُ وَ دَابَّةُ الْأَرْضِ وَ يَأْجُوجُ وَ مَاجُوجُ وَ طُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا وَ نَارٌ تَخْرُجُ مِنْ قَعْرِ عَدْنٍ تُزْجِلُ النَّاسَ» (صحيح مسلم ۱۷۹/۸، كتاب الفتن و اشراط الساعة).

۲- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۰.

۳- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۲.

«إِنَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ، وَهِيَ خَاصَّةٌ، لَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحْضًا أَوْ مَحَضَ الشِّرْكَ مَحْضًا» یعنی رجعت مربوط به همه مردم نیست، بلکه مربوط به کسانی است که در ایمان محض و شرک محض بودند. چرا که چنین افرادی زمینه بروز شخصیت خود را می‌طلبند و در نهایی‌ترین منزل تاریخ که حق محض با باطل محض رو در روی هم قرار می‌گیرند، این افراد باید ظهور یابند تا به همه آنچه باید برسند، برسند.

حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید: «أَيَّامُ اللَّهِ ثَلَاثَةٌ، يَوْمُ الْقَائِمِ عليه السلام وَ يَوْمُ الْكُرَّةِ وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ»<sup>۴</sup> یعنی؛ «ایام‌الله» سه روز است، روز قیام حضرت قائم علیه السلام و روز برگشت و روز قیامت. که در این روایت؛ رجعت را به عنوان «یوم‌الکرة» روز برگشت انسان‌ها به دنیا، از ایام‌الله شمرده‌اند.

و نیز می‌فرماید: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِكُرَّتِنَا»<sup>۵</sup> یعنی هرکس مؤمن به رجعت و برگشت ما نیست، از ما نیست. پس رجعت نیز شرایطی است که ظرف ظهور سنت خاص الهی خواهد بود و هرکس در فکر و فرهنگ خود به رجعت نرسد، عملاً از فکر و فرهنگ ائمه معصومین علیهم السلام جدا شده‌است.

۵- اختیاری بودن رجعت: از امام صادق علیه السلام داریم که: «هنگامی که ایشان قیام نمایند، فرشتگان الهی در روی قبر کسی که اهل ایمان بوده داخل شده و به او می‌گویند: سرور و مولای تو ظهور کرده‌است، اگر

۴- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۳.

۵- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۲.



می‌خواهی که به او پیوندی، اختیار داری و چنانچه بخواهی در کرامت پروردگارت بمانی، آزاد هستی.<sup>۶</sup>

۶- رجعت ائمه اطهار علیهم‌السلام: در زیارت جامعه می‌خوانیم: «مُعْتَرِفٌ بِكُمْ، مُؤْمِنٌ بآيَابِكُمْ، مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ، مُنْتَظِرٌ لِمَرْكُمُ وَ مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ» که این فرافراز دعا، اظهار اعتقاد شیعه است به رجعت ائمه علیهم‌السلام.

۱- چون انسان فطرتاً عاشق کمال است، و کمال او به اسلام است، و کمال اسلام به ولایت است

حالا اگر کسی در مرتبه اول باشد و اعتقاد و تعلق به نبوت و ولایت داشته باشد ولی در اثر فرارسیدن مرگش، موفق به شهود و بیعت با شخص نبی و ولی نشده باشد، باید برای تکمیل اعتقاد خود به دنیا رجعت کند و با شخص مقام نبوت و ولایت مطلقه بیعت کند، و اگر به عالم مُلک رجعت نکند تعطیل در کمال وجود لازم می‌آید و این ظلم به او است و محال است از طرف خدا ظلم واقع شود، پس حتماً چنین کسی رجعت خواهد کرد.

۲- انبیاء پیشین به پیامبراتم بعد از خود بشارت دادند و قرآن هم در آیه ۶ سوره صف می‌فرماید: «مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ.....» که حکایت از بشارت حضرت عیسی علیه‌السلام به ظهور پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دارد و به

واقع اگر انبیاء پیشین به پیامبر اتم بعد از خود بشارت نمی دادند، تبلیغ رسالتشان تمام نبود. پس امم قبلی اعتقاد به خاتم انبیاء به شکل عنوانی داشتند و این اعتقاد، با شهود خاتم انبیاء باید کامل شود و آن نیز با بیعت محقق می شود. پس آن گروه از امم قبلی که طالب اعتقاد تام به خاتم النبیین هستند، به رجعت نایل می شوند تا آن شهود واقع شود.

۳- افرادی که استعداد تکامل در آنها هست، اگر بعد از بعثت پیامبر ﷺ پا به عرصه وجود گذارده اند، در حال احتضار، مقام نبوت مطلقه و ولایت مطلقه بر آنها ظاهر می شوند تا ایمان آنها کامل شود و این عبارت است از رجعت عترت بر امت. و افرادی که دارای استعداد کامل هستند و قبل از بعثت خاتم الرسل لباس هستی در بر کرده اند، از برزخ به عالم ملک رجعت می کنند تا با مقام نبوت مطلقه و ولایت مطلقه بیعت کنند و ایمان عنوانی آنها به ایمان شهودی نسبت به آن ذوات مقدس، تبدیل شود و رجعت حضرت عیسی علیه السلام به عنوان نمونه در روایات ذکر شده، در حالی که همه اولیاء و انبیاء برای استكمال ایمان شهودی خود رجعت خواهند کرد.

در ضمن علاوه بر رجعت عترت بر امت، مؤمنین به پیامبر و ائمه علیهم السلام چنانچه طالب باشند برای درک فضائل محض ولی عصر و کمک به آن حضرت، از حضرت استدعای رجعت دارند و حضرت به آن تقاضا جواب مثبت می دهند.

۴- نفوس ضعیفه به اقتدار ولی الله و به نحو تقیید و وَرَع طبق آیه ۸۳ سوره نمل احضار می شوند که قرآن فرمود: «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ

فَوْجًا مَّمَّنْ يُكَدِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ»، تا در این رجعت شقی در شقاوت و سعید در سعادت خود بالفعل گردند.<sup>۷</sup>



۵- آیت الله قزوینی در مورد رجعت معصومین می فرمایند: روح خاتمیت علیه السلام یعنی ربط دهنده عوالم انسانیت بلکه ربط دهنده همه ممکنات به حضرت، واجب و مقام امام که خلافت همین مقام است، شریک در سعه نفوس و قوه تعلیم عمومی و تهذیب روحانی خواهد بود.

قرار دادن تعلیم و ارشاد عمومی در نهاد نبی و امام به حسب نظام احسن و حکمت الهی است. حال اگر بخواهد این جوهر همیشه از کمال خویش محروم باشد و در عرصه عالم کبیر نمایان نشود، با حکمت الهی و احسن بودن نظام هستی منافات دارد، و با عدم دائمی بودن قسر نمی خواند، چرا که در حجاب بودن هدایت دائمی نفس نبی و امام غیر طبیعی و قسر است و قسر دائمی نیست. پس حتماً هدایت عمومی و آن هم به نحو احسن، که لازمه اش حضور نفس نبی و امام است به صورتی کامل و بدون مانع در عالم محقق خواهد شد.

نتیجه این که: رجوع ارواح و نفوس ناطقه مقدسه حضرت رسالت و ائمه طاهرین به بدن های عنصری نه تنها ممکن، بلکه واجب است. چرا که روح معصومین، معلم و مهتذب کل افراد بشر است، و این خاصیت وجودی ایشان است پس باید

۷- چهار برهان فوق از آیت الله شاه آبادی است در کتاب رشحات البحار.

روزی بیاید که نفوس کلیه در مقام تعلیم عمومی برآیند و به بدن‌های خود توجه نموده و در جامعه نمایان شوند و روح‌های مستعد و جهان‌هستی را به فعلیت تامه خود برسانند و هر نفسی از نفوس معصومین به حقیقت و اثر مطلوب خود نایل گردد و عالم هستی با حاکمیت یک روح واحد توحیدی نورانی گردد، همچون حاکمیت نفس ناطقه توحیدی بر همه اعضا و قوای انسان.

روح امام در «دور رجعت» آزاد و طائر قدسی آن حضرت با تمام همت و بدون مانع خارجی، در پرواز است، چون دوره عرضة وجود موانع، برطرف شده و دور ظهور آن جنبه ایده‌آل حیات بشری فرا رسیده است، دور رجعت شروع می‌شود.

رجعت ائمه علیهم‌السلام بعد از رحلت امام عصر علیه‌السلام است تا سنت امام عصر که سنت ظهور ولایت مطلقه حق است در آن شرایط باقی باشد.

دور رجعت از مراتب وجود امام عصر علیه‌السلام است و تتمه وجود شخص آن حضرت است و در نظام طبیعی وجود آن حضرت، این مرتبه نیز مأخوذ است، تا آنچه در ادوار گذشته امکان بروز نداشته، بروز کند.

**سؤال:** آیا رجعت همان تناسخ نیست؟

**جواب:** خیر؛ چرا که در رجعت، روح انسان به بدن خود برمی‌گردد تا جنبه‌های بالقوه‌اش را به بالفعل تبدیل کند. ولی در تناسخ مسئله این است که روح از آن جهت که بالفعل شده و دیگر به بدن خود نیاز ندارد، باز به بدنی دیگر برگردهد و زندگی خاصی مطابق آن بدن جدید را ادامه دهد،

که لازمه تناسخ؛ تبدیل جنبه بالفعل انسان به جنبه بالقوه‌اش است و این محال است.

**تبصره:** جناب آقای کورانی می‌فرمایند: روایاتی صحیح وجود دارد مبنی بر رجعت امام حسین علیه السلام و همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام، ایشان می‌فرمایند: ما اعتقاد نداریم همه ائمه برمی‌گردند و امام حسین علیه السلام اولین کسی است که برمی‌گردند، بعد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بعد علی علیه السلام.

می‌فرمایند: ما معتقدیم که دجال بعد از ظهور حضرت قائم علیه السلام پیدا می‌شود و برخی از اهل سنت معتقدند قبل از ظهور یا با ظهور حضرت، دجال ظاهر می‌شود.

«والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته»